

خجسته باد ۸ مارس روز بین المللی زن

فرا رسیدن ۸ مارس را که تجلی خشم و اعتراض زنان دسراسر جهان به نابرابری و تبعیض، ستم وی حقوقی است و حاکی از عزم زنان به مبارزه برای رهایی و کسب حقوق اجتماعی و سیاسی برابر با مردان می باشد، به زنان کارگر و زحمتکش و همه کسانی که علیه ستم و سرکوب زنان، بی عدالتی، تبعیض وی حقوقی آنها مبارزه میکنند تبریک میگوئیم.

از هنگامی که در ۱۹۱۰ دومین کنفرانس بین المللی زنان سوسیالیست، روز ۸ مارس را به نشانه همبستگی و پشتیبانی از مطالبات و مبارزه هزاران تن از زنان کارگر صنایع نساجی آمریکا، که بخاطر یکرشته مطالباتی که در صدر آنها کسب حقوق سیاسی و حق رای برای زنان قرار داشت، در نیویورک دست به تظاهرات زدند، روز زن اعلام نمود و یکرشته اقدامات اعتراضی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری برای کسب حقوق سیاسی زنان سازمان داده شد، تا به امروز که در پایان قرن بیستم قرار داریم، جنبش زنان در مقامیاس جهانی به پیشرفتها و دست آوردهای قابل ملاحظه ای نائل آمده است. اکنون دیگر در مقامیاس جهانی، برابری حقوقی زن و مرد رسماً مورد تأیید قرار گرفته و در قوانین اغلب کشورهای جهان انعکاس یافته است. هر چند که این برابری حقوقی در کشورهای مختلف به درجات متفاوت در عمل نقض میگردد و هر چند که به علت بقای نظام ستمگرانه سرمایه داری هنوز تا برابری واقعی و کامل راهی طولانی در پیش است. البته نیاز به گفتن نیست که تا همین حد نیز دست آوردهای زنان جهان برای کسب حقوق خود نتیجه مبارزات بی امان آنها و جنبش بین المللی کارگری و کمونیستی است که از برابری تام و تمام، کامل و همه جانبه زن و مرد دفاع میکنند. اما در حالی که وضعیت زنان طی قرن جاری در اغلب کشورهای جهان در محدوده ای بهبود یافته، متأسفانه در برخی از کشورها که نمونه و ارتترین آنها جمهوری اسلامی ایران، افغانستان، و عربستان اند، نه فقط برابری حقوقی زن و مرد به رسمیت شناخته نشده بلکه بالعکس با پیشروی تمام رسماً و قانوناً نفی شده است. در ایران یک حکومت مذهبی فوق ارتجاعی حاکم است که نه تنها زنان را از حقوق برابر با مردان محروم ساخته بلکه بیرحمانه ترین و وحشیانه ترین ستم و تبعیض را بر زنان اعمال میکند. حکومت اسلامی در بنیاد اعتقادی خود زن را نیمه انسانی می انگارد که از خصوصیات عقلانی و فکری یک انسان کامل برخوردار نیست. لذا بر مبنای همین تفکرات و اعتقادات ارتجاعی است که در تمام قوانین و مقررات خود، شدیدترین تبعیض را نسبت به زنان روا داشته و آنها را از حقوق سیاسی و حتی انسانی محروم ساخته است.

ما از تکرار مداوم این حقایق خسته نمیشویم و دست برنمیذاریم که بگوئیم در پایان قرن بیستم در کشوری به نام ایران حکومتی به نام جمهوری اسلامی وجود دارد که تحت حاکمیت و ضوابط آن و بر طبق قوانین مصوب اش، نه تنها زنان از دسترسی به مشاغل و مقامات عالی دولتی محروم اند بلکه در سطوح اجرائی و اداری نیز از دسترسی به مدیریتهای سطوح دست دوم نیز محروم اند. در اینجا، زنان اصولاً نمیتوانند در بسیاری رشته های فعالیت اجتماعی استخدام شوند و کارکنند تا چه رسد به این که امکان دسترسی به برخی مقامات عالی را داشته باشند. در مملکتی که سیستم حقوقی آن برای شهود زن اعتباری قائل نیست و در مبحث ارث آشکارا زن را نیمه انسان تلقی میکند، چه جای تعجب است اگر زنان از حق قضاوت محروم باشند.

اینجا کشوری است که حکومت مذهبی مرتجع آن، حتی نوع پوشش، ورزش و نحوه رفت و آمد زن را تعیین میکند و در مراکز عمومی به اقدام فوق ارتجاعی آپارتاید جنسی دست میزند. آنچه که گفته شد، البته مربوط به وضعیت زنان در عرصه عمومی جامعه است. در چارچوب خانواده نیز نه تنها زنان در معرض ستم و تبعیض و اقدامات پلیسی حکومت قرار دارند بلکه به علت حاکمیت نظام مرد سالاری در معرض انواع و اقسام فشارها، سرکوبها، تحقیرها و تبعیضات از جانب مردان خانواده، پدر، شوهر، برادر و غیره قرار دارند.

براستی ستمی که بر زنان ایران اعمال میشود در نمونه خود کم نظیر است، و البته این ستم و فشار و تبعیض و سرکوب از جانب زنان بدون جواب نبوده است. زنان ایران به انحاء مختلف و با هر وسیله و امکانی که در اختیار داشته اند، به مبارزه علیه این اجحافات ادامه داده اند. ابعاد این مبارزه تا بدانجا پیش رفته که امروز مسئله زنان ایران و مطالبات آنها حقیقتاً به یک معضل جدی حکومت اسلامی تبدیل شده است و سران حکومت خود را ناگزیر دیده که پی در پی وعده بهبود اوضاع را به زنان بدهند. اما تا به امروز هیچیک از این وعده ها عملی نشده است. از جمله در جریان انتخابات ریاست جمهوری، خاتمی نیز وعده های متعددی در مورد بهبود وضعیت زنان و تحقق مطالبات آنها داد. اما گذشت همین چند ماه نیز در عمل نشان داده است که او هم به عنوان پاسدار و مدافع حکومت اسلامی نه میتواند و نه میخواهد به خواستها و مطالبات زنان جامعه عمل پوشد. بدیهی است که یک آخوند مرتجع طرفدار حکومت اسلامی نمیتواند خواهان لغو تبعیض بر پایه جنسیت باشد. نمیتواند از برابری حقوق سیاسی و اجتماعی زن و مرد و از برخورداری زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی دفاع کند، چرا که این مسائل با اعتقادات اسلامی و بنیادهای فکری ارتجاعی آنها سازگار است برخی ها برای فریب مردم ادعا میکنند که این خاتمی میخواهد لااقل برخی مطالبات زنان را متحقق سازد. این ادعاها فاقد اعتبار است. ما سؤال میکنیم که آیا خاتمی خواهان لغو قوانین و مقررات ارتجاعی علیه زنان از جمله در قانون اساسی در مورد محرومیت آنها از حقوق اجتماعی و سیاسی است؟ آیا وی خواستار الغاء قوانین و مقررات ارتجاعی علیه زنان در قوانین مدنی و جزائی و غیره است؟ آیا وی میخواهد قوانین تبعیض آمیز در مورد ارث و مشاغل، مجازاتهای وحشیانه قرون وسطائی نظیر شلاق و سنگسار و غیره را ملغاً سازد؟ پاسخ به تمام این سؤالات منفی است. بالعکس او خواستار اجرای دقیق تمام قوانین حکومت است. قوانینی که در بند آنها حقوق زنان لگد مال شده است. همه اینها هیچ، آیا او حداقل خواستار برافتادن سیستم ارتجاعی آپارتاید جنسی و برافتادن مقررات مربوط به حجاب اجباری است؟ پاسخ این هم منفی است. خاتمی نه میخواهد و نه میتواند پاسخگویی مطالبات زنان باشد. هیچ مدافع

حکومت اسلامی نمیتواند مدافع حقوق و مطالبات زنان باشد و حتی نمیتواند از برابری صوری و حقوقی دفاع کند. تحقق خواستهها و مطالبات زنان درگرو تشدید مبارزه آنها علیه حکومت و همه جناحهای آن است. زنان ایران نباید هیچگونه توهمی به این حکومت و جناح های آن داشته باشند. زنان ایران برای تحقق مطالبات خود راه دیگری جز تشدید مبارزه علیه این حکومت را ندارند. حتی اگر قرار باشد این حکومت اندکی هم عقب نشینی کند و در محدودهای ولویسیار اندک و جزئی بهبودی دروضع زنان صورت بگیرد، لازمه اش تشدید مبارزه علیه حکومت است.

سازمان فدائیان (اقلیت) که پیگیرانه از مطالبات وخواستههای برحق زنان دفاع میکند، درهمان حال که از طریق مبارزه علیه نظام سرمایه داری و سرنگونی آن برای برقراری یک برابری واقعی و همه جانبه میان زن و مرد تلاش میکند، خواهان انجام یکرشته اقدامات فوری وبلادرنگ برای بهبود هرچه فوری تر وضعیت زنان و تحقق مطالبات آنهاست. دربرنامه عمل سازمان ما این مطالبات بشرح زیراند:

- هرگونه ستم و تبعیض برپایه جنسیت باید به فوریت ملغا گردد و زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان برخوردارگردند.
- زنان باید ازاین حق برخوردار گردند که با برابری کامل، درتمام شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مشارکت داشته و به تمام مشاغل و مناصب درهمه سطوح دسترسی داشته باشند.

- تمام قوانین و مقررات ارتجاعی مربوط به تعدد زوجات، صیغه، حق طلاق یکجانبه، تکفل و سرپرستی فرزندان، قوانین و مقررات تبعیض آمیز درمورد ارث، مقررات حجاب اجباری، جدا سازی زن و مرد درموسسات و مراکز عمومی و تمام مقررات و اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه نظیر شلاق، سنگسار و غیره باید به فوریت ملغا گردند.

- هرگونه فشار، تحقیر، اجبار، اذیت و آزار و خشونت علیه زنان درمحیط خانواده باید ممنوع گردد و مجازات شدیدی درمورد نقض آنها اعمال شود.
- زنان باید درازای کارمسای از حقوق و مزایای کامل و برابر با مردان برخوردارباشند.
- زنان باید درمحل کارو زندگی از امکانات و تسهیلاتی نظیر شیرخوارگاهها و مهد کودکیها برخوردارباشند.
باردار باید یکماه قبل و سه ماه بعد از زایمان بدون کسر حقوق، مرخصی داده شود و آنها از امکانات پزشکی، درمانی و داروئی رایگان برخوردار باشند.
- به زنان

سازمان ما خواهان تحقق هرچه فوری ترین مطالبات برای بهبود دروضعیت زنان ایران است و برای تحقق آنها مبارزه میکند.

سازمان فدائیان (اقلیت)

اسفندماه یکمزار و سیصد و هفتاد و شش

(برگزیده از کار ۳۱۱ اسفند ۷۶)